

(ج) **آغازگر دانش شیمی**

دانش علم شیمی که آغاز گر آن، جابر ابن حیان بود، در قرن ۱۲ میلادی به اروپا رسید. اروپاییان صدها کتاب را با نام «کبیر» که همان جابر ابن حیات است، منتشر کردند. هنگامی که ابن اثرها را بررسی می‌کنید می‌بینیم که همه کتابهای «جابر ابن حیان» است، که با تحریف شده و یا با دخل و تصرفهای کوچکی منتشر شده‌اند.

جابر بن حیان و ایجاد یک رشته جدید علمی

یکی از نمونه‌های برجسته علمی دوران تمدن اسلامی، جابر بن حیان است.

معرفی یک رشته علمی جدید توسط شاگرد امام صادق(ع) به اروپائیان

حِتّان، شاگرد نامدار حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) بود که اگرچه در ابتدا سعی کرد،ند، دستاوردهای علمی وی را نادیده گرفته و یا به نام دانشمندان غربی، ثبت کندند اما برما شدن و انتشار اسناد و مکتوبات جابر بن حِتّان، افق تازه‌ای را یافته‌های علمی بشر را در برابر چشمان نظران بی‌طرف و مورخین با انصاف گشود تا اینکه جابر بن حِتّان را پدر علم شیمی خواندند، حتی جرج سارتنز، یکی از اصمار حیات بشری را به نام وی اسم گذاری نمود.

پرفسور فوآد سزْگین (مدیر انستیتو و موزه علوم و تمدن اسلامی دانشگاه گوته فرانکفورث) در این رابطه می‌گوید: «...یکی از عجیب‌ترین اتفاقات ثبت شده در تاریخ علوم این است که؛ دانشمندان مسلمان در قرن هشتم میلادی در بغداد، به واسطه ابن کتب، اسلانتید و ابزارهایی که جهان اسلام به آنها بسیار زودتر از غرب دست پیدا کرده بودند، در آستانه یک کشف عظیم قرار می‌گیرند، با یکی از شخصیتهای بزرگ و عجیب تاریخ بشریت به نام جابر ابن حِتّان آشنا میشویم. جابر ابن حِتّان را می‌توانیم به عنوان کیمیاگر و دانشمند شیمی معرفی کنیم. جابر ابن حِتّان به وسیله گردآوری رساله‌ها و کتابچه‌هایی که به دستش رسیده بود، تا آستانه ایجاد یک رشته علمی جدید پیش رفت. از

دانشمندان اسلامی از قرن نهم میلادی، نیروی جاذبه زمین را می‌شناختند و آن را به اسامی مختلف همچون نیروی طبیعی نام نهنداد و اطلاق طبیعی بر نیروی جاذبه زمین براساس این اعتقاد صورت می‌گرفت که اجسام به صورت طبیعی میل به مرکز زمین به عنوان مکان طبیعی خویش دارند.

وی، صدها کتاب پر از نظریه‌ها و استدلال‌های فیلسوفانه بجای مانده است. هنگامی که این کتابها را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که حِتّان آغازگر روش آنالیز کمی و کیفی در علم شیمی بوده است. علم شیمی که در جهان اسلام با جابر ابن حِتّان، به اوج خود رسیده بود، پیشرفتهای دیگری نیز می‌کند. برای نمونه، اکتشافات علمی مهم زکریاسی رازی را در قرن نهم میلادی می‌توانیم مثال زینم. تا قرن پانزدهم میلادی یک نوع جوهر عجیب ساخته می‌شود...»

آغازکننده آزمایشات شیمی، جابربن حیان بود
درمورد آزمایشات علمی نیز چنین گفته شده بود که مسلمانان چندان با تجربه و آزمایشات، میانه‌ای نداشتند و این دانشمندان غربی بودند که علوم دقیقه را براساس تجربه و آزمایش رواج دادند. اما کتب تاریخی و علمی باقیمانده از دوران تمدن اسلامی روایتی به جز این دارد. رولفسور فوآد سزْگین (مدیر انستیتو و موزه علوم و تمدن اسلامی در دانشگاه گوته فرانکفورث) روایت متفاوت فوق را چنین بازگو می‌نماید:

دانشمندان اسلامی از قرن نهم میلادی، سعی به توضیح پدیده ایجاد رنگین کمان کردند. در میان این عالمان، نخستین دانشمند فیزیک نور جهان «ابن هیثم» و «ابن سینا» قرار داشتند. این دو

جابربن حیان در حال توضیح پدیده رنگین کمان

ابنک بپردایم به این درخواست جنابعالی: «مصرانه از شما می‌خواهم زمینه اصلاحی را فراهم‌کنید که تمامی ارکان کشور در مقابل مردم و نهادهای قانونی به طور عملی پاسخگو باشند و در عمل، قانون حاکم باشد و نه حاکمیت فرد یا گروهی خاص.»

این سخن فی‌نفسه درست است اما باید دید اراده شما از بیان آن، تا چه حد منطبق با حق و واقعیت است. همانگونه که می‌دانید اصل ۱۱۱ قانون اساسی، مجلس خبرگان را مسئول احراز شرایط رهبری در یک فرد و نیز استمرار این شرایط در رهبری دانسته است. بنابراین پدیده‌ای است خبرگان برای ایجاد این مسئولیت خود، باید به نحو مقتضی در رهبری نظارت داشته باشد و طبعاً رهبری نیز در قبال مجلس خبرگان، پاسخگو باشد. این موضوعی است که از سال‌ها پیش در دستور کار خبرگان قرار داشته و به همین منظور با تشکیل کمیسیونی تحت عنوان «کمیسیون تحقیق» به این امر مشغول است. برای اطلاع بیشتر از این قضیه جنابعالی می‌توانید به نشانه «حکومت اسلامی» شماره ۴۱ که توسط دبیر-رئیس مجلس خبرگان منتشر می‌شود، مراجعه فرمایید. در این شماره، برخی از اعضای خبرگان مانند آقایان هاشمی رفسنجانی، جنتی، مقتدایی، مجتهد شبستری و دیگران در مورد این قضیه و سیر آن در زمان حضرت امام و آیتالله‌ خمنه‌ای به تفصیل توضیحاتی ارائه کرده‌اند.

البته این نکته هم برای شما به عنوان یک مدعی «فرد امام» باید جالب باشد که به گفته برخی از این بزرگواران، در دوران حیات حضرت امام با توجه به شأن و جایگاه ایشان هیات تحقیق عملاً فعالیت نداشته است. لذا اگر بخواهیم به شیوه همان دوران که بسیار مورد تأکید جنابعالی است عمل شود، در دوران آیتالله‌ خمنه‌ای نیز این هیأت می‌بایست فعالیت را انجام

می‌داد. اما با توجه به اظهارات اعضای خبرگان، این هیأت و کمیسیون در این دوران فعال بوده است. البته راجع به نحوه انجام کار طبعاً بحث‌ها و تبادل نظرهایی وجود داشته‌است تا ضمن این که مجلس خبرگان به وظیفه نظارتی خود در حد مسئولیت قانونی خویش عمل کند، اختلال و اختلالی نیز در امور مربوط به رهبری رخ ندهد. اما به هر تقدیر، این کار در طول زمان ساز و کار مناسب خواهد بود. به‌مختار ادامه دارد.

از یاب نمونه نظر جنابعالی را به اظهارات برخی از اعضای خبرگان در این باره جلب می‌کنم. آیتالله جنتی در این باره این گونه گفته‌اند: «البته ما در زمان حضرت امام اصلاً به خود اجازه ندادیم که وارد قضیه شویم، چون شأن ایشان اجل از این بود که جزو این گونه‌است؟ فکر اکثریت بر این بود.»
نه؟ در صورت مثبت بودن مدیریت به فوه خود باقی است، در غیر آن صورت تذکر بدهند یا سؤال کنند که چرا این گونه‌است؟ فکر اکثریت بر این بود.»
به گفته ایشان این موضوع با آیتالله‌ خمنه‌ای نیز در میان گزارده می‌شود و بعد از بحث و بررسی راجع سه حوزه‌های مورد تحقیق و نحوه انجام کار، «نتیجه این است که مقام معظم رهبری فرمودند: اگر بنا بر بررسی و سؤال و اقدامی باشد، ما دفتر من در بین‌المللی قرار ندمان نشانه آن هم، مصداقت پیش از حد دشمنان درباره این تشکیلات چه کرده‌ام. درباره مراکزى که زیر نظر من است، چگونه عمل کرده‌ام. از اقدامات من سئوال کنید، آنها به شما پاسخ می‌دهند، چون من به آنها دستور می‌دهم که شما هر سؤالی داشتید، اطلاعات را در اختیار

دانشمند بزرگ هر یک برای روشن سازی این پدیده، نظریه‌های بیسان کردند اما امروزه ما می‌دانیم که در آن قرون، فیزیک نور هنوز به پیشرفتهای لازم برای روشن کردن این موضوع دست نیافته بود و برای کشف علت ایجاد رنگین کمان، بشریت باید تا صد سال صبر می‌کرد.

شرح این پدیده (رنگین کمان)، در کتاب کمال الدین فارسی که یکی از ستاره شناسان و دانشمند برجسته فیزیک نور بوده و علاوه بر آن شرح کتابهای این هیثم را نیز می‌نوشته، بیان شده است. کمال الدین فارسی اوایل قرن چهاردهم میلادی، پدیده رنگین کمان را با

تاریخ تمدن اسلامی – ۱۷

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

پاورقی

Research@kayhan.ir

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

آیتالله العظمی خاتمی

برهمنی معنا تأکید کرده و می‌نویسند: «اما منشأ سنگینی و سبکی در بعضی اجسام آن است که هر نوع از انواع جسم دارای مکان خاصی است که در آن قرار گرفته و جز به واسطه یک نیروی خارجی از آن جدا نمی‌شود و در صورت خروج از آن مکان و قطع شدن نیروی خارجی سعی می‌کند تا به همان مکان طبیعی بازگردد. در این حال اگر با مانعی مواجه شود، با آن به نزاع می‌پردازد و اگر در این نزاع توفیق یابد و به سوی مرکز عالم میل کند، آن را سنگین و در صورتی که ناکام شده، در جهت مخالف مرکز عالم یعنی فلک محیط میل کند، آن را سبک می‌نامند...»

گفتمن حرف‌های تکراری کسالت‌بار است